

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۵۰ ■ دوشنبه ■ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیع‌ی
سرمدبیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۳/۰۱ | آذان مغرب ۲۶/۲۰ | نیمه شب شرعی ۱۱/۰۰ | آذان صبح فردا ۱۶/۴ | طلوع آفتاب فردا ۵۶/۵

امام‌علی علیه‌السلام:
نقش صبر در کارها همانند نقش سر در بدن است؛ همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن از بین می‌رود، صبر نیز هرگاه همراه کارها نباشد، کارها تباه می‌شوند.
کافی (ط–الاسلامیه) ج۲، ص۹۰، ج۹

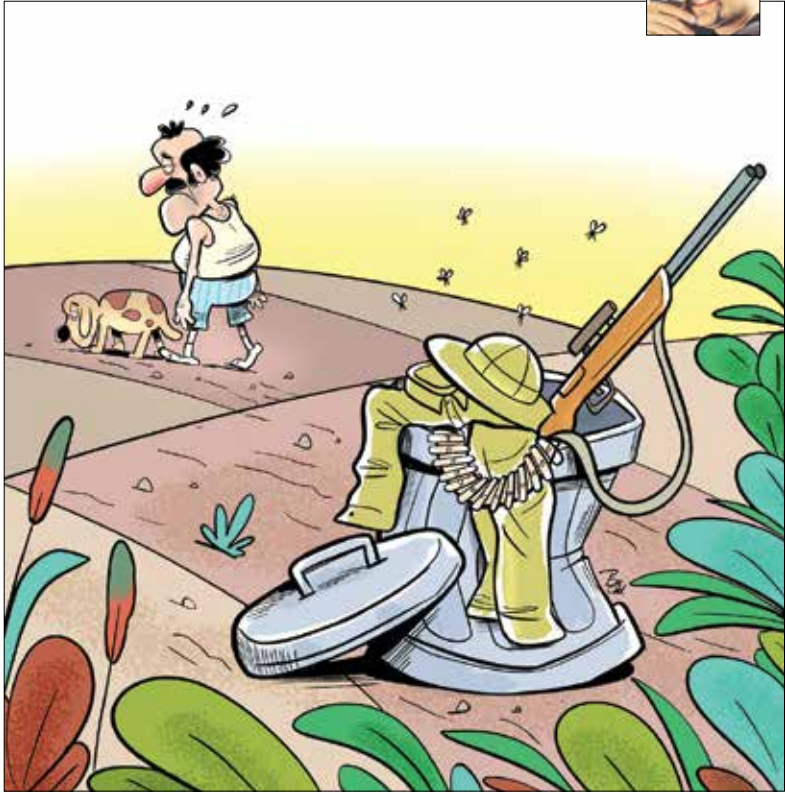
سخن روز

نگاره

علیرضا پاکدل



شکار در شمال ۵ سال ممنوع شد



#کرونا

هنمای جدیدترین تحقیقاتی که سازمان بهداشت جهانی منتشر کرد حسابی بازتاب داشت. این سازمان اعلام کرده تحقیقات ثابت نکرده که احتمال انتقال ویروس کرونا به انسان از طریق دست زدن به اجسام مختلف، مثلاً به دستگیره در، کیبورد کامپیوتر و نظایر آن وجود دارد. از طرف دیگر گفته ضدعفونی کردن شهرها در از بین بردن ویروس کرونا نقشی ندارد و حتی به انسان آسیب می‌زند. این تحقیقات کسانی را که چند ماهی است همه چیز را ضدعفونی می‌کنند متعجب و شوکه کرده هرچند کاربرانی به این اشاره می‌کنند که بهداشت جهانی همچنان بر ضدعفونی تأکید می‌کند: «فقط می‌خواستیم من ۶۷ مدل مرض پوستی بگیریم»، «تورو قرآن ولمون کنین، تمام این سطوحی که نام بردین روتو این سه ماه آتقد سایبیدیم که دیگه وجود خارجی ندارن»، «ذره‌ای به اطلاعاتی چینی سازمان جهانی بهداشت اطمینان نکنید، بی‌توجه به این سازمان مفتخور، پروتکل‌های خودتون رو تمام و کمال رعایت کنید»، «برای کلیک با جون آدم‌ها بازی نکنید. در این توصیه نامه گفته شده اگر چه هنوز به طور قطعی در تحقیقات که تا الان انجام شده رابطه بین لمس اجناس و ابتلا به ایند نشده ولی با اطلاعات گذشته و شواهد که از بیمارستانی‌ها موجوده، ضد عفونی کردن اجسام بشدت توصیه می‌شه»، «روزای اول می‌گفتن از هوا منتقل نمیشه، فقط لمس. حالا ۱۰۰درصد عکسشو می‌گن.»، «همین مانده است که سازمان محترم بهداشت جهانی، اعلام کند این دستکش وماسک

روز شاعر ریاضیدان

دیروز روز بزرگداشت عمر خیام نیشابوری شاعر، ریاضیدان و منجم بزرگ جهان بود. روزی که نه فقط در ایران که در جهان مورد توجه قرار گرفت و حتی گوگل لوگوی خود را به او اختصاص داد. به این بهانه کاربرانی اشعارو رباعیات او را نوشتند واز کارهای بزرگش یاد کردند: «یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان سروسامان دادن وسریستی محاسبات گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره پادشاهی ملک‌شاه سلجوقی بود، دانست؛ محاسبات منسوب به خیام در این زمینه هنوز معتبر است و دقتی به مراتب بالاتر از گاهشماری میلادی دارد.»اسم خیام برام تداعی کننده اون نوار است شیشه‌ای با جلد سبز رباعیات خیام شجریان، شاملو و شهبازیانه که سال ۷۱ گرفتمش و مسخورش شدم»، «خیام خراج از ایران بسیار



ویدئو

علی اصغر مونسان: خیام علم و ادب را همراه کرده

خیام شخصیتی ادیب و دانشمند است که علم و ادب را با یکدیگر همراه کرده و باوجود اشعار اندک، یکی از مشهورترین شاعران ایران در جهان است. تعداد ترجمه‌های کتاب خیام بیشترین ترجمه‌هاست و این یکی از شگفتی‌های اقبال جهانی به اشعار خیام است. امروزه معرفت و شناخت جامع شخصیتی چون حکیم عمر خیام نیشابوری می‌تواند الگویی شایسته، پیش روی تمام پژوهندگان علم و دانش و بویژه نسل جوان باشد.



وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در پیامی روز ملی بزرگداشت حکیم عمر خیام نیشابوری را تبریک گفت

مروری بر خاطرات ملاصالح قاری به بهانه روزهای قرنطینه

آن یک نفر

در روزهای قرنطینه‌ای که بیشتر چنین تصاویری را تنها در فیلم‌ها دیده‌ایم و در کتاب‌ها خوانده‌ایم، فرصتی دست می‌دهد که بیشتر درباره موضوعاتی بخوانیم و ببینیم که شاید قبل‌تر فرصت آن دست نیافته است؛ بخصوص که این روزها همواره در گوشه و کنار صحبت از رشادت‌های زنان و مردانی است که با دلسوزی هرچه تمام‌تر به کمک هموطنان خود رفته‌اند. این چنین رشادت‌هایی در کشور ما ایران همواره سابقه داشته است. مردان و زنانی بوده‌اند که در لحظات سخت دست به کار شده‌اند و حماسه‌ها آفریده‌اند. برخی از آنها را اما سال‌ها بعد شناخته‌ایم. مردان و زنانی بی‌ادعا که شاید آن‌گونه که باید تقدیر نشده‌اند. این روزها و به بهانه قرنطینه خاطرات این یادگاران خواندنی‌تر از همیشه است. یکی از این افراد که بازگاشی زندگیا‌ش دستمایه آثار هنری شده است، ملاصالح قاری قاری است. مردی که خاطراتش تنها در آبادان، زادگاهش قرنطینه شده بود. ملاصالح قاری، زندانی در ایران قبل از انقلاب، ایران بعد از انقلاب و اسیر جنگی در عراق بوده است. او از مبارزان علیه حکومت پهلوی بود که مدت ۸ سال در زندان‌های ساواک زندانی سیاسی بود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پس از شروع جنگ ایران و عراق در آب‌های خلیج فارس به محاصره قایق‌های گشتی و همراه تعداد دیگری به اسارت قوای عراق درآمد. عراقی‌ها که متوجه تسلط او به زبان عربی و فارسی شدند، او را به‌عنوان مترجم به کار گرفتند. شهرت وی به خاطر دیداری بود که گروه ۲۳ نفره با صدام رئیس حکومت بعث عراق داشتند و او در آن دیدار مترجم صدام بود و سخنان وی را برای آنان ترجمه می‌کرد. وی پس از ۴ سال در ۱۳۶۴ از سوی عراق همراه با ۵۰۰ نفر دیگر به ایران اعزام و آزاد شد. ملاصالح قاری پس از اسارت مورد سوء ظن قرار گرفت و به اتهام خیانت به کشور و همکاری با یعنی‌ها زندانی شد. او بعد از ۲ سال به قید ضمانت آزاد شد و درنهایت پس از بازگشت اسرا در سال ۱۳۶۹ با نامه سید علی اکبر ابوترابی روحانی آزاد شده از اسارت، بی‌کناهی‌اش اثبات و از وی رفع اتهام شد. ملاصالح در مدت اسارت خود کمک بسیاری به اسرای ایرانی کرد و همدم آنان در لحظه‌های سخت اسارت بود و در موارد بسیاری باعث نجات جان آنان شد. تاکنون چندین کتاب و فیلم براساس اسناد موجود و خاطرات وی و ۲۳ نفر اسیر نوجوان نوشته و ساخته شده‌است. یکی از این فیلم‌ها ۲۳ نفر و آن یک نفر است که مهدی جعفری هو‌لانی‌اش جلوی دوربین برده است. اگر امروز از این قهرمان گمنام و گاه مغضوب روزگار دفاع از حیثیت و شرف این دیار نام نیتی به یادگار مانده است به

تک‌نگاری

ستون دوشنبه



خسرو نشان
مدیر فرهنگی

همت صبوری و شکیبایی او و مدد قلم و زبان حبیب احمدزاده و تأمل و تصویر مهدی جعفری است؛ بیست و سه نفر و آن یک نفر در قالب فیلم و روایت. نوجوانی که در اسارت شجاعانه مبارزه می‌کرد حالا به مرد سالخورده و باتجربه‌ای مبدل شده که ساعت‌ها می‌توان پای حرف‌هایش نشست. چندی پیش که برای آخرین بار به آبادان سفر کردم، نزد حاج مکی یازع رفتم تا اونیز به ما برسد. حاج مکی که خود از رزمندگان شاخص دوران دفاع مقدس است با او هم‌کلام شدی بود و لذت این حرف‌ها را من می‌بردم. مکی یازع اما یک آبادانی متعصب است. مردی که همچنان با گذشت این همه سال همچنان خود را وقف سرزمین خود کرده است. هرکجا که مشکلی پیدا می‌شود او هم در آنجا است. از سیل خوزستان گرفته تا سرزمین‌های سیستان و بلوچستان؛ مکی یازع حرف‌هایش را با آبادان آغاز می‌کند: «از قاف تا بلندی‌های حاج عمران. عراق ۹ شهر را گرفت اما تنها شهری که سقوط نکرد آبادان بود. آبادان یک سال محاصره بود اما به اینکه در این یک سال بر مردم آبادان چه گذشت خوب نپرداختیم؛ درحالی که لنینگراد روسیه تنها ۱۳ ماه محاصره شد و ده‌ها فیلم و داستان از روی آن ساخته شد. ما در این یک سال سه بیمارستان ساختیم. بسیاری از دوا‌ج کردند بسیاری بچه‌دار شدند.» ملاصالح همچنان از صدام متنفر است و لای‌لای سخنانش او را نفرین می‌کند: «صدام فرعون زمان بود. او بر فکر مردم عراق مسلط شده بود. به من وعده‌های مختلفی دادند تا به ایران نروم، اما به لطف خدا قبول نکردم.» ملاصالح از سفرها و دیدارهایش می‌گفت و اشک در چشمانش جمع می‌شد. روایت این مردان میانسال، جذاب و ماجراجویانه است. آنها از خودشان می‌گویند و از آنچه بر آنها رفته. از خودشان می‌گویند و از آنانی که در آن روزگار نقش تعیین‌کننده در سرنوشتشان داشته‌اند. اینکه تا چه اندازه این مردان در آن سال‌ها رنج کشیده‌اند در ذهن آدم نمی‌گنجد. باید یک رویداد برای این همه حرف و این همه رشادت ترتیب داد. این قهرمان‌ها تا چند سال حرف‌های نشنیده دارند. چند قرنطینه می‌توان در خانه ماند و خاطرات قهرمانانی چون ملاصالح را مرور کرد؟ یا دوری ملاصالح سبب دیگری هم داشت؛ خبر ناگوار درگذشت دوست مشترکمان سعید نعمانی (طرفی) و محو شدن در خاطرات دوستان حلقه دهکده بریم آبادان از روزهای انقلاب تا دوران جنگ که حتماً ملاصالح به‌خوبی یادش می‌آید. مطمئناً راستی ملا! از نخلستان‌های «دهکده بریم» تا کوه‌های سبک لین چه راه درازی رفتی؛ از زندان‌های دوره شاهنشاهی، اسارت در جنگل‌های شمال‌های تلخ آوارگی و جنگ زدگی، نوحهات آزاد رهنده‌ای که دیده‌ام هنوز یاد آن گاه و بی‌گاه چگونه بر روح چنگال می‌زند. دلت را می‌خرشد و برتن رنجورت رعشه می‌آورد. این قرنطینه لعنتی کی تمام می‌شود پس!

هشتادوپنج سال پس از نخستین «فرهنگستانِ ایران»

داستانِ سره و ناسره

علی‌اصغر حکمت در سلسله نوشتارهای «یادداشت‌هایی از عصر پهلوی» در مجله «وحید» (شماره ۱۳، آبان ۱۳۵۱) نوشته است: «خدمات مرحوم محمدعلی فروغی به علم و ادب منحصر به تدریس در مدرسه علوم سیاسی و تربیت جوانان که بعدها متصدی مقامات عالی‌ومشغول به خدمات مهم شدند، نبود بلکه با نگارش مقالات و خطابه‌ها و تحقیق در متون آثار بزرگان و اساتید فارسی‌زبان و طبع و نشر کتاب‌های سودمند و متین نیز به ادب و فرهنگ ایرانی پیش‌قدم بود و من شاهد و ناظر بوده‌ام که با عضویت در شورای عالی معارف و شرکت در تهیه برنامه مدارس و در مجامع و سازمان‌های فرهنگی به وزارت معارف معاونت مساعدت می‌نمود و راهنمایی می‌فرمود تا آن‌که در سال ۱۳۱۴ یکی از بزرگ‌ترین خدمت‌های خود را با تأسیس «فرهنگستان» به زبان وادبیات انجام داد.» اما ماجرا به یک سال پیش از آن برمی‌گردد که پس از سفر رضاشاه به ترکیه، «نهضتی در مقامات رسمی و محافل ادبی به قصد تصفیه زبان فارسی از کلمات بیگانه به ظهور رسید» اما به قول حکمت، در همان یادداشت‌ها، مشکل آنجا بود که «...بعضی از مجامع سعی می‌کردند لغات خارجی مخصوصاً کلمات عربی را از السنه مکاتبات رسمی برداشته و به‌جای آنها لغات واژه‌های غیرماتئوس باستانی را بگذارند یا واژه تازه بی‌اصل وضع کنند» و «به حدی راه افراط و مبالغه پیمودند که بیم آن می‌رفت بنای رفیع وعالقدر زبان شیرین بنیان فارسی که از مفاخر این قوم و ملت است یکباره واژگون شود...» این بود که ذکاالملک فروغی که آن زمان رئیس‌الوزرا بود، دست به کار شد. زیرا به قول نویسنده مجله «یغما» (شماره ۴۷، اردیبهشت ۱۳۳۱)، «هیچ‌گونه اطلاع و بصیرت در زبان ولغت نداشتند... و در پیراستن زبان

یادداشت



حمیدرضا محمدی روزنامه‌نگار

و من شاهد و ناظر بوده‌ام که با عضویت در شورای عالی معارف و شرکت در تهیه برنامه مدارس و در مجامع و سازمان‌های فرهنگی به وزارت معارف معاونت مساعدت می‌نمود و راهنمایی می‌فرمود تا آن‌که در سال ۱۳۱۴ یکی از بزرگ‌ترین خدمت‌های خود را با تأسیس «فرهنگستان» به زبان وادبیات انجام داد.» اما ماجرا به یک سال پیش از آن برمی‌گردد که پس از سفر رضاشاه به ترکیه، «نهضتی در مقامات رسمی و محافل ادبی به قصد تصفیه زبان فارسی از کلمات بیگانه به ظهور رسید» اما به قول حکمت، در همان یادداشت‌ها، مشکل آنجا بود که «...بعضی از مجامع سعی می‌کردند لغات خارجی مخصوصاً کلمات عربی را از السنه مکاتبات رسمی برداشته و به‌جای آنها لغات واژه‌های غیرماتئوس باستانی را بگذارند یا واژه تازه بی‌اصل وضع کنند» و «به حدی راه افراط و مبالغه پیمودند که بیم آن می‌رفت بنای رفیع وعالقدر زبان شیرین بنیان فارسی که از مفاخر این قوم و ملت است یکباره واژگون شود...» این بود که ذکاالملک فروغی که آن زمان رئیس‌الوزرا بود، دست به کار شد. زیرا به قول نویسنده مجله «یغما» (شماره ۴۷، اردیبهشت ۱۳۳۱)، «هیچ‌گونه اطلاع و بصیرت در زبان ولغت نداشتند... و در پیراستن زبان



هنرمندان اثری به مینو محرز فوق تخصص بیماری‌های عفونی و رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران که در زمینه مقابله با کرونا فعال بود، تقدیم کردند. تابلو نقاشی «سفر اطر در بیمارستان» اثر محسن امینی توسط تیم گالری ایوان به نمایندگی از جامعه هنری ایران در مراسمی در بیمارستان تهران به محرز به نمایندگی از جامعه پزشکی و درمان ایران تقدیم شد. گالری ایوان با مشارکت هنرمندان و بر مبنای مسئولیت اجتماعی تلاش می‌کند از طریق فراخوانی به‌نام «درد مشترک» با اهدافی تابلو به بیمارستان‌ها و فروش تابلوها اختصاص همه عواید حاصل از فروش آن به خرید تجهیزات مورد نیاز مبارزه با کرونا، از کادر درمائی کشور قدرانی کند/ منبع: ایلتا

عکس نوشت

دعای روز بیست‌و چهارم

ماه مبارک رمضان

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ فِیْهِ مَا یُضِیْکَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِمَّا یُؤْذِیْکَ وَاَسْأَلُکَ التَّوْفِیْقَ لِیُّ اَنْ اَطِیْعَکَ وَ لَا اَعْصِیْکَ یَا جَوَادَ السَّالِیْنِ

خدایا در این ماه آنچه تو را خوشنود می‌کند از تو درخواست می‌کنم و از آنچه تو را ناخشنود می‌کند به تو پناه می‌آورم، و از تو در این ماه توفیق اطاعت و ترک نافرمانی ات را خواستارم، ای بخشنده به نیازمندان.

ماه مهمانی خد-۲۲

آیین دوست‌یابی

«يَوْمَ تَغْضُّ الظَّالِمُ عَلٰی بَدْنِهِ يَقُوْلُ
يَا لَيْتَنِيْ اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا.
وَيَلْتَنِيْ لَيْتَنِيْ لَمْ اَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيْلًا.
لَقَدْ اَضَلَّيْتُ عَنْ الذِّكْرِ يَتَذَّرُ اِنْ جَاتَنِيْ
وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُوْلًا»

(قرآن، ۲۷-۲۹)

و روزی که ستمکار (گنهکار) دو دست خود را (از حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش بر پیامبر همراه می‌شدم. ای وای بر من! کاش قلانی را دوست خود نمی‌گرفتم. رفیق من بعد از آنکه

حق از طرف خدا برای من آمد، مرا گمراه ساخت. و شیطان هنگام امید، انسان را رها می‌کند. نقش تربیتی والدین و مربیان در خانه و مدرسه قابل انکار نیست. اما بیش از این دو عامل مهم تربیتی، آنکه در تربیت انسان تأثیر ماندگاری دارد، دوست است. شاید رمزش این باشد که والدین و مربیان را ما انتخاب نمی‌کنیم، اما دوست را خودمان انتخاب می‌کنیم و لذا تأثیرپذیری ما از دوست، بیشتر است. به‌همین جهت، در روایات آمده است: اگر می‌خواهید کسی را بشناسید، به دوستانش بنگرید که چه افرادی هستند. «فانظروا الی خطأته»

از پیامبراکرم (ص) پرسیدند: بهترین دوست کیست؟ فرمود: کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد و گفتارش به علم شما بیفزاید و کردارش یاد قیامت را در شما زنده کند.

حضرت (ع) فرمود: رفیق خوب، بهترین فامیل است.

در حدیث آمده است: دوستی را به هنگام عصبانیت، نیاز به پول و در مسافرت آزمایش کن. اگر در این آزمایش‌ها موفق شد، دوست خوبی است.

اما آنچه در آیه فوق به آن اشاره شده، خطر دوست بد است. تا آنجا که انسان از راه منحرف کرده و او را به دوزخ می‌کشاند.

شاعر نیز در این باره گفته است:

تا توانی می‌گریز از یار باد، یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند/ یار بد بر جان و بر ایمان زند

■ **اخوت و برادری**

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ إِخْوِكُمْ وَأَتَوْا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰)
همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود، (در صورت اختلاف و نزاع) صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا کنید تا مورد رحمت قرار گیرید. از امتیازات اسلام آن است که اصلاحات را از ریشه شروع می‌کند. مثلاً در این آیه می‌فرماید: برای اصلاح رفتار فرد و جامعه باید مبنای فکری آنان را اصلاح کرد. لذا اعلام می‌کند: مؤمنین با یکدیگر برادرند، اکنون که همه برادر هستید، قهر و جدال چرا؟

در روایات از کسانی که برادران دینی خود را رها می‌کنند بشدت انتقاد شده و سفارش شده است که اگر برادران از تو فاصله گرفتند، تو با آنان رفت و آمد داشته باش. «صل من قطعک»

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مؤمن برادر مؤمن است، مانند یک جسد که اگر بخشی از آن بیمار گردد، همه بدن ناراحت است».

لطف تو که باشد غم ندارم

ای بدات اطمینان بخش دل‌ها!
آنان که خاک را به‌نظر کیمیا کردند،
برخواهش‌های شیطانی پشت پا زدند و به بلشتی‌های نفس اماره، بی‌اعتنا شدند،
چه شکو پادشاه آن ایستادگی را یافتند و به هر آنچه که شایسته مخلصان و پاکدامنان است رسیدند.

عشق تو در روح و روانشان تجلی یافت،
بی خویش‌تر از خویش،
گام در سبنای شوق نهادند و آنچه برای نامحرمان، نادیدنی بود را به تماشا نشستند و به نعره مستی و یگانگی، دل از کف دادند.

آنها که به ترم نام‌باشکوه تو غنچه‌های قلب‌شان شکوفا می‌شد و به ذکر زیبایت، روان‌هایشان به آسودگی می‌رسید دل به غیر تو نسپردند که باور داشتند هرچه خیر است از توست.

آنان که به خواهش‌های شیطانی «نه» گفتند و دست رد به سینه نقش پلید زدند. از نگاه‌های حرام پرهیز کردند. از مجلس گناه پا پس کشیدند. از سخنان زشت دوری کردند. از اندیشه‌های پلید رو برگرداندد. بهانه‌های پوچ دنیا بازی‌شان نداد و قریب وعده‌های ابلیس را نخوردند و تنها در پی خوشنودی تو بودند.

خوشا به حالشان! طوبی لهم! و من چه بسیار به آنها غبطه می‌خورم که در پرتو یادت و سپردن خانه دلشان به تو و ایمان به حضور همیشگی ات در لحظه لحظه عمرشان به آرامش رسیده‌اند.

ای نامت پاسخ‌خواستن‌ها! اینک من هم به امید جلوه‌ای از رحمت توست که برهنه پای، به حضورت رسیده‌ام. به رسم شرم، سر به زیر افکندم‌ا و به ست اجابت به سویت دست دراز کرده‌ام تا من نیز از آنچه به خواب درگاهت بخشیده‌ای خوشود ساز.

غیر از تو انیس و همدمی نیست مرا

در این همه زخم، مرهمی نیست مرا

در یاس به تو امید دارد دل من

با لطف و عطای تو غمی نیست مرا